یادداشت

ریشه‌های قدرت، ثروت و فقر ملت‌ها*

سمیه دژبرد

چرا برخی از کشورها توسعه یافته‌اند؟ ریشه ثروت و قدرت پایدار برخی و ناکامی دیگر کشورها در توسعه چیست؟ پرسشی ساده و درعین‌حال بنیادین که از مسائل مهم جهان معاصر به شمار می‌آید. ازاین‌رو، دکتر عجم‌اوغلو و دکتر رابینسون، از استادان و پژوهشگران برجسته دانشگاه ام‌آی‌تی و هاروارد**، این مهم را با دانش ژرف خود در زمینه توسعه اقتصادی و سیاسی، در کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟»، مورد پژوهش و اندیشه قرار داده‌اند.

آنها نظریات موجود درخصوص ریشه‌های توسعه و ناکامی و غنا و فقر حاکم بر کشورهای جهان را در سه گروه نظریه جغرافیایی، نظریه فرهنگی و نظریه غفلت و ناآگاهی حکمرانان و سیاست‌مداران، تقسیم‌بندی کرده و سپس با چشم‌انداز وسیع تاریخی، مورد تحلیل و استدلال قرار داده‌اند.

براین‌اساس، مؤلفان با انجام مطالعات تطبیقی گسترده و مقایسه بین نواحی مشابه از نظر جغرافیایی، اقلیمی و همچنین بررسی و تحلیل فرهنگی، صحت دو نظریه نخست را به چالش کشیده‌اند. نیمه شمالی و ثروتمند شهر نوگالس در آمریکاست و ساکنان نیمه جنوبی آن که در مکزیک واقع است، فقیر هستند. این نمونه به همراه شواهد متعدد دیگر، از جمله اختلاف آشکار وضعیت اقتصادی کشورهایی با سابقه تاریخی و فرهنگی مشترک، مانند کره‌شمالی و جنوبی یا آلمان شرقی و غربی سابق، ریشه‌یابی پیشرفت و توسعه اقتصادی را در شرایط جغرافیایی و فرهنگی، غیرقابل‌توجیه می‌کند.

درخصوص نظریه غفلت، نویسندگان با ارائه شواهد کافی، اتخاذ سیاست‌های نادرست و غیرمنطقی اقتصادی را نه برخاسته از ناآگاهی سیاست‌مداران که از تمایل آنها به سوءاستفاده از روش‌های ناکارا و اشتباه، در جهت تأمین اهداف مغرضانه سیاسی برشمرده‌اند. آنها بر این باورند که کشورهای توسعه‌نیافته، به دلیل عواقب تصمیم‌های سیاست‌مدارانشان فقیرند؛ تصمیماتی که انتخاب عامدانه و آگاهانه حاکمان است.

نویسندگان، سپس به تبیین نظر خود، مبتنی‌بر پیوند میان اقتصاد و سیاست می‌پردازند و چگونگی استفاده سیاست‌مداران و مردم از این پیوند را با ارائه مدل‌ها و شواهد تاریخی بسیار به تصویر می‌کشند. آنها معتقدند سرنوشت توسعه را نحوه ارتباط دولت و ملت رقم می‌زند و پیشرفت و شکوفایی اقتصادی در گرو گذر از اندک‌سالاری و حکومت گروه‌های خاص است.

مؤلفان با تکیه بر شواهد غنی تاریخی و آمار و ارقام مبین، اختلاف موقعیت اقتصادی کشورها را ناشی از تفاوت بین نهادها، قوانین مؤثر بر نحوه عملکرد اقتصاد و محرک‌های انگیزاننده جامعه برای پیشرفت می‌دانند. درواقع نویسندگان معتقدند، اگرچه نهادهای اقتصادی در فقر یا غنای یک کشور نقشی تأثیرگذار دارند، اما نهادهای اقتصادی ثمره نهادهای سیاسی هستند و ایجاد نهادهای سیاسی و اقتصادی فراگیر، عامل حیاتی و زیربنای اعتلای اقتصادی و توسعه پایدار است.

سیاست، پیرو انگیزه سیاست‌مداران و حکمرانان است. بنابراین، اگر قدرت در حلقه‌های محدود به صورت غیرمشروط، تعریف شود، آنگاه نهادهای سیاسی تنها به بهره‌کشی و پایدارکردن قدرت خود می‌پردازند و انگیزه‌ای برای تضمین حقوق مالکیت مردم، تأمین خدمات عمومی یا تشویق پیشرفت اقتصادی نمی‌ماند. درمقابل، ایجاد نهادهای سیاسی و اقتصادی فراگیر، قدرت را به طور گسترده در جامعه توزیع و آن را مقید می‌کند. امکان و فرصت مشارکت توده‌های گسترده جامعه را در فعالیت‌های اقتصادی، در یک نظام امن حقوق مالکیت و یک فضای آزاد برای انعقاد قرارداد و تبادل در بازار مهیا می‌کند. صاحبان ایده‌های نوین، کارآفرین می‌شوند و کارگران بهره‌وری بالاتری خواهند داشت.

کتاب، ریشه مخالفت با ایجاد نهادهای اقتصادی فراگیر را غالبا ترس از «تخریب خلاق***»، مطرح کرده است. تخریب خلاق، به طور پیوسته، ساختارهای اقتصادی را از درون متحول می‌کند؛ ساختار کهنه را تخریب کرده و ساختار نو و جدیدی را خلق می‌کند. درواقع، تخریب خلاق با ازبین‌بردن بنیان‌های فرسوده و قدیمی، جریان دانش و تکنولوژی را به نفع جامعه و برای ایجاد کسب‌وکارهای سودآور به پیش می‌برد؛ امری که سیطره حلقه قدرت اندک‌سالار و فرادستان بر امتیازات تجاری و منافع اقتصادی را به چالش می‌کشد و از انحصار آنها خارج می‌کند. «انقلاب صنعتی اروپا» نمونه واضح تخریب خلاق است.

یکی از نکات حائزاهمیتی که در کتاب بررسی نشده، تبیین ارتباط سازنده دوسویه و هم‌افزایی متقابل نهادهای فراگیر سیاسی و اقتصادی است. به‌این‌سان، همان‌گونه که نهادهای سیاسی فراگیر، منجر به رشد و بالندگی اقتصادی می‌شوند، جامعه برخوردار از رفاه اقتصادی نیز، رضایت‌مندی بالاتری را تجربه می‌کند و استعداد و قابلیت بالاتری، برای ایجاد و اثبات یک نظام سیاسی فراگیر منصفانه پایدار را داراست.

درمقابل، مقاومت نهادهای سیاسی در برابر هر نوع تغییر اندک، خود زمینه‌ساز شکست‌های پرهزینه برای جامعه و به‌تبع آن باعث کاهش سطح رضایت و شادکامی مردم می‌شود که بر اساس حکم خرد، می‌توان به‌جای تبدیل مردم به توده‌های خشمگین، اقدام به اعمال تغییرات نرم و به‌موقع، در جهت رشد و شکوفایی کرد و این خود، اعتماد و امید ملی را بارور می‌کند و منجر به افزایش استقامت در برابر درد و ایجاد فرصت‌هایی از دل تهدیدهای نفس‌گیر می‌شود.

به‌این‌ترتیب، کتاب با برخورداری از محتوایی روایی، به ارائه دلایل روشن و متقن، برخاسته از خلال نمونه‌های تاریخی متعدد پرداخته، به‌گونه‌ای که به‌عنوان بینشی معتبر و گره‌گشا مورد تحسین اندیشمندان و صاحب‌نظران بزرگی قرار گرفته است و با وجود نقدهای واردآمده بر کتاب، مطالعه آن در کنار سایر مراجع معتبر، می‌تواند بصیرتی شایسته برای تمام سطوح مخاطبان و تحولی درخور، به‌ویژه در سیاست‌مداران و تصمیم‌گیران سطوح کلان، فراهم کند.

* از کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟ ریشه‌های قدرت، ثروت و فقر»، اثر دارون عجم‌اوغلو و جیمز ای. رابینسون، ترجمه محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی‌پور، انتشارات روزنه

** موقعیت آموزشی نویسندگان در زمان انتشار کتاب

*** برگرفته از دیدگاه اقتصاددان برجسته، ژوزف شومپیتر

«شرق» در یک نظرسنجی از اقتصاددانان به بحث گذاشت

راه‌های مقابله با گرانی

پیش‌بینی نرخ تورم ۱۵ تا ۲۵ درصدی برای امسال

پنج ماه از سالی که دولت تورم ۹ تا ۱۰ درصدی را برای آن پیش‌بینی می‌کرد گذشته است و امروز تمامی معادلات و پیش‌بینی‌ها به واسطه جهش ناگهانی قیمت ارز آن هم تا حدود سه برابر بر هم خورده است. نرخ تورم که از اواسط سال ۱۳۹۲ وارد سیر نزولی شد، بعد از ۲۶ سال در سال ۱۳۹۵ وارد محدوده تک‌رقمی شد و در سال گذشته نیز در همان محدوده تک‌رقمی ماند. همان زمان که طیب‌نیا نسخه درمانی تورم را به اجرا درآورد، بسیاری از کارشناسان از اهمیت ماندگاری تورم تک‌رقمی صحبت می‌کردند اما اتفاقاتی که روی آنها سرپوش گذاشته شده بود، بعد از دو سال با افزایش قیمت نرخ ارز خود را نشان داد. ماجرا هم بر سر حجم نقدینگی است که کارشناسان معتقدند حجم حدود هزارو۶۰۰ هزار میلیارد تومانی نقدینگی عامل افزایش تورم است و افزایش نرخ ارز نشانه آن است نه علت. تورم در این سال‌ها در حالی مهار شده بود که نقدینگی رشد معمول خود را طی می‌کرد. از سال ۱۳۹۲ تا پایان سال گذشته متوسط رشد نقدینگی حدود ۲۶/۶ درصد بود. این در حالی است که از سال ۱۳۵۰ تاکنون نقدینگی به‌طور متوسط حدود ۲۷ درصد رشد یافته، بنابراین برخی کارشناسان در سال‌های ثبات تورم، حفظ دستاورد تورم تک‌رقمی را منوط به کاهش رشد نقدینگی می‌دانستند. در ادامه در اواسط سال گذشته بازار دارایی‌های سرمایه‌گذاری و از ابتدای سال جاری شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی در معرض رشد متأثر از نقدینگی قرار گرفتند. البته اثر هم‌زمان و فزاینده نرخ ارز که به عقیده برخی کارشناسان خود متأثر از رشد نقدینگی بوده، روی شاخص قیمت در ماه‌های اخیر نیز حائز اهمیت است. بانک مرکزی به عنوان نهاد سیاست‌گذار پولی در آخرین گزارش‌های خود پیش‌بینی کرده در پایان سال جاری دستاورد تورم تک‌رقمی از بین برود؛ چراکه اگر در بهترین حالت فرض شود، شاخص قیمت در هشت ماه پیش‌رو افزایش نیافته و در سطح تیرماه خود بماند، تورم سالانه ۱۳۹۷ حدود ۱۴ درصد خواهد بود؛ تورم ۱۴ درصد کف تورمی قابل‌پیش‌بینی برای سال جاری است. کارشناسان اقتصادی که «شرق» با آنها گفت‌وگو کرده است، همگی افزایش تورم را قطعی و اجتناب‌ناپذیر می‌دانند و معتقدند دولت با پذیرش این موضوع و واقعی‌کردن آمار تورم باید به فکر طراحی برنامه‌های سیاستی برای کاهش فشار تورمی باشد. هرکدام از این کارشناسان اقتصادی عدد و رقم متفاوتی را برای نرخ تورم امسال پیش‌بینی می‌کنند، در میان آنها نرخ تورم ۱۲درصدی مشاهده می‌شود و برخی هم نرخ تورم امسال را تا ۵۰ درصد هم تخمین زده‌اند اما اگر بخواهیم میانگینی از بین اعداد محاسبه کنیم، به نرخ تورمی بین محدوده ۱۵ تا ۲۵ درصد می‌رسیم. اینکه سطح تورم سالانه در پایان سال جاری تا چه حد از محدوده تک‌رقمی فاصله بگیرد، به روند آتی اقتصاد کلان و سیاست‌گذاری سیاست‌گذار بستگی دارد. در این مسیر به گفته کارشناسان نوع دیپلماسی اقتصادی ایران بسیار مهم است و بر تورم انتظاری تأثیر مستقیمی خواهد گذاشت. در ادامه محدوده رقم پیش‌بینی‌شده اقتصاددانان در نظرسنجی «شرق» را می‌خوانید که در کنار تخمین‌ها و برآورد هرکدام توصیه‌ها و راهکارهای سیاستی خود را نیز مطرح کرده‌اند.

بازیگران ناشایست در نظام تصمیم‌گیری

ایوب فرامرزی
معاون پژوهشی پژوهشکده مرکز آمار

پیش‌بینی نرخ تورم برای امسال و سال آینده مبتنی بر چند عامل است اما اگر فرض را بر ادامه همین روند فعلی در اقتصاد ایران بگیریم، امسال به نرخی حدود ۱۵ درصد می‌رسیم و سال آینده نرخ تورم بالای ۲۰ درصد خواهد بود. با توجه به شرایط دیگر متغیرهای اقتصادی مانند حجم نقدینگی، آینده‌ای شبیه کشور ونزوئلا به هیچ عنوان احتمال دور و ناممکنی نیست. اما راهکارهایی نیز برای کاهش فشار تورمی بر معیشت عموم مردم وجود دارد؛ راهکارهایی که نه صرفا از کانال اقتصاد بلکه از طریق سیاست ممکن می‌شوند. در شرایط فعلی راهکارهای اقتصادی اثر چندانی ندارد و دولت باید بپذیرد برای مهار تورم لجام‌گسیخته باید دست به اصلاحات ساختاری حاکمیتی-سیاستی بزند. از آنجا که انتظارات مردم برای آینده شکل گرفته، هر اقدام اقتصادی مانند پیش‌فروش سکه و سیاست ارزی پاسخ‌گوی تغییرات لازم نیست. قانون بازار می‌گوید با افزایش عرضه قیمت کاهش می‌یابد اما اقتصاد ایران در شرایط فعلی قوانین اقتصادی را نقض می‌کند و خارج از قاعده‌ها پیش می‌رود. بنابراین تنها راهکار اصلاحات اساسی ساختاری است. زمانی که وزیر کار اعلام می‌کند از نرخ بی‌کاری بی‌خبر هستم این نشانه‌ای از همین اشتباهات است. برای توضیح این شرایط من از مفهومی تحت عنوان «تله رانت‌بازی» استفاده می‌کنم؛ این مفهوم وضعیتی را توضیح می‌دهد که زمانی که فرد ناشایستی را به عنوان تصمیم‌گیر انتخاب می‌کنید، او از افراد هم‌کیش خود برای پست‌های مربوط به سازمان یا دستگاه مربوطه دعوت می‌کند و این سیر انتخاب اشتباه به شکل زنجیره‌واری ادامه پیدا می‌کند. در کشور ما تا زمانی که درآمدهای نفتی جواب‌گو باشد، کسری‌ها جبران می‌شود اما به محض آنکه بازار نفت و فروش و تولید ما دچار نوسان شود، تمام این ناکارآمدی‌ها و ناشایست‌سالاری‌ها به شکل جدی خود را نشان می‌دهد.

نرخ ارز دولتی را افزایش دهید

حمید زمان‌زاده
عضو پژوهشکده پولی و بانکی

دولت سیاست‌های ضدتورمی را اجرا کند، بین ۱۲ تا ۱۴درصد می‌تواند آن را ثابت نگه دارد. سرنوشت تورم در سال آینده هم بستگی به تغییرات تیم اقتصادی دارد که اکنون دولت به‌دنبال آن است. اگر برجام پابرجا بماند، خرید نفت ایران از سوی برخی از کشورها تضمین شود و می‌توان امیدوار بود در سال آینده تورم دوباره به کانال تک‌رقمی بازگردد. باید متوجه باشیم که مسئله اقتصاد ایران به همان روشنی است که راه‌حل آن. ناکارآمدی، بهره‌وری پایین در بخش خدمات، صنعت و کشاورزی، بزرگی دولت و سهم ناچیز بخش خصوصی، همه مواردی است که معضلات اقتصاد ایران را شکل می‌دهد. راه‌حل این معضل‌های اقتصادی نسخه‌ای است که سال‌هاست به دولت‌ها توصیه می‌شود اما هیچ‌کدام از دولت‌ها به درستی آن را اجرا نکرده‌اند. جذب سرمایه ایرانی‌های مقیم خارج یکی‌دیگر از گزینه‌هایی است که دولت باید برنامه‌ای جدی برای این راهکار طراحی کند. اما نکته‌ای که در کوتاه‌مدت باید به آن توجه کرد، فشار تورمی است که به معیشت مردم وارد می‌شود. واقعیت این است که فشار تورمی به یک اندازه به همه مردم وارد نمی‌شود و اثر خود را بیشتر روی سفره کم‌درآمدها می‌گذارد؛ چراکه دهک‌های بالای درآمدی متأثر از بازار درآمدشان نیز افزایش پیدا می‌کند. دولت دو راه پیش‌رو دارد؛ یا یارانه نقدی دهک‌های پایین درآمدی را افزایش دهد یا سبد کالا توزیع کند. برای تأمین منابع آن هم هرچه سریع‌تر باید یارانه نقدی دهک‌های پردرآمد را با پذیرش احتمال خطا قطع کند و از افرادی که تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی هستند، در برابر افزایش قیمت کالاهای حیاتی محافظت کند. تقویت قدرت خرید مردم مهم‌ترین اولویتی است که اکنون دولت باید برای آن برنامه بریزد.

نهاد فراقوه‌ای ایجاد کنیم

محمد بحرینیان
کارشناس اقتصادی

شرایط اقتصادی کشور در حال حاضر یک پیام روشن برای ما دارد؛ افزایش تورم اجتناب‌ناپذیر است بنابراین به جای مشغول‌شدن به راهکارهای کاهش تورم باید به دنبال کاهش فشار تورم بر معیشت مردم بود. آنچه امروز ما شاهد آن هستیم، مشکلات ساختاری است که در هفت دهه با تصمیم‌گیری‌های اشتباه و ناکارآمدی‌ها به وجود آمده است. همه دولت‌ها میل ...

نقدینگی عامل تورم

وحید شقاقی‌شهری
کارشناس اقتصادی

تسلیم نشویم اما تعامل کنیم

حمید دبیهم
کارشناس اقتصادی

توزیع سبد کالا

هادی حق‌شناس
کارشناس اقتصادی

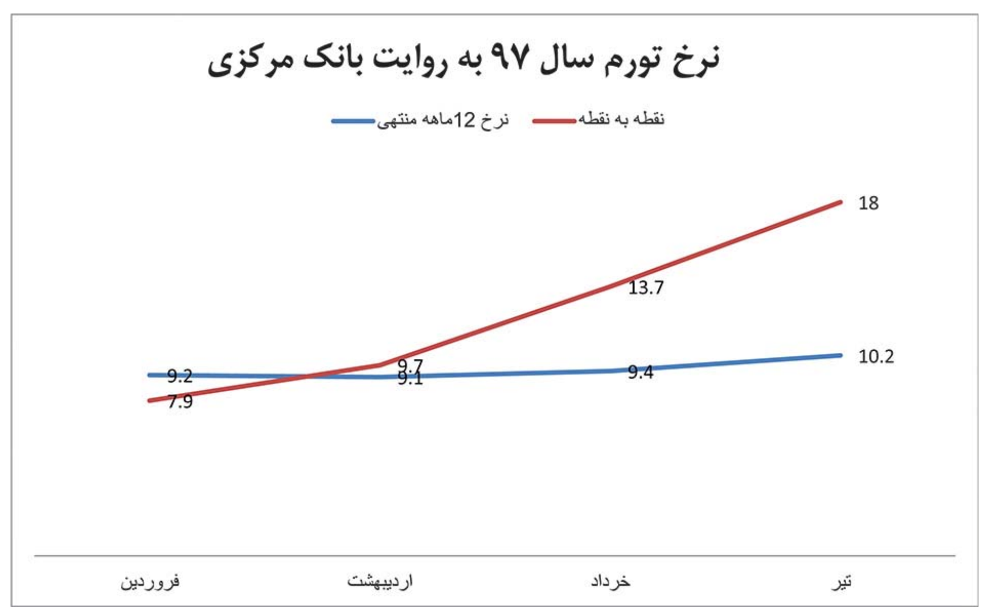

مشکلی به دیگر مشکلات می‌افزاید. البته وضعیتی که امروز ما شاهد آن هستیم، ناگهانی پیش نیامده؛ در هر کشوری اگر دولت وارد فعالیت اقتصادی شود، با چنین وضعیتی روبه‌رو خواهد شد. مهار تورم در کشور ما نشدنی نیست. تجربه علی طیب‌نیا در دوره قبل نشان داد می‌توان تورم ۴۰درصدی را با انضباط پولی به کانال تک‌رقمی رساند و تجربه موفقی هم بود. اما آنچه امروز با آن روبه‌روییم، نه بحران اقتصادی بلکه مسائل سیاسی است. قرار نیست تسلیم قدرت‌های برتر جهان شویم اما وضعیت ...

آمارها را واقعی کنید

مرتضی افقه
کارشناس اقتصادی

از رانت‌خواران مالیات بگیرید

زهرا افشاری
کارشناس اقتصادی

ناتوانی دولت در حلقه تأمین کالا

پویا جبل‌عاملی
تحلیلگر اقتصادی

زنگ خطر استقراض از بانک مرکزی

تقی ترابی
کارشناس اقتصادی

بحران کنترل‌ناپذیری امور

بایزید مردوخی
کارشناس اقتصادی

دیدگاه

بازار ثانویه با اعتماد به دولت راهگشاست

فاطمه مقیمی . عضو اتاق بازرگانی ایران

ایده بازار ثانویه می‌تواند به‌خوبی بازار ارز را کنترل کند؛ اگر نظارت دولت به‌صورت کامل بر آن وجود داشته باشد. در این بازار صادرکنندگان می‌توانند هزینه قیمت در مورد کالای ردوبدل‌شده را تعیین کنند و از سویی دیگر برای واردکنندگان فضایی ایجاد شود که به قیمت مناسب‌تری برای خریدوفروش دسترسی داشته باشند. زمانی بازار ثانویه ارز موفق عمل می‌کند که نظارت مربوط به فروش ارز حاصل از صادرات در این مجموعه از طریق نظارت بر اسناد قابل‌ارائه و دفاع بخش واردات در سامانه مربوط به خریدوفروش ارز با عرضه و تقاضای بازار رقم بخورد. ولی اگر قرار باشد در این بازار هم نرخی را تعیین کنند و فقط صادرکنندگان و واردکنندگان ملزم شوند که در یک چارچوب خاص خریدوفروش خودشان را انجام دهند، موفقیتی در پی نخواهد داشت.

وقتی بانک مرکزی نتوانست ثابت نگه‌داشتن نرخ ارز را رقم بزند و اطمینان لازم را از این حیث ایجاد کند، مشکلات بروز کرد. مطمئنا راهکارهای بخش خصوصی در این‌گونه موارد می‌تواند کمک‌کننده و گره‌گشا باشد. پیش‌ازاین نباید تعیین نرخ ارز دستوری تعیین می‌شد، بهتر بود بازار شناوری بین عرضه و تقاضا ایجاد و نرخ از این طریق تعیین می‌شد چراکه با عرضه و تقاضای واقعی در بازار، نرخ واقعی حاصل می‌شود. ناامنی‌های اقتصادی اخیر شرایطی ایجاد کرد که افراد سرمایه‌های اندک خود را نیز به دلار تبدیل کردند البته دولت در حال حاضر با آسیب‌شناسی سیاست‌هایی که اعمال شده، می‌تواند مانع از تصمیم‌گیری‌های اشتباه بعدی شود.

در بازار ثانویه نرخ ارز متناسب با عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. واردکننده و صادرکننده طبق توافق خود مبادله ارز انجام می‌دهد همچنین صرافی‌ها می‌توانند بین وارده‌کننده و صادرکننده ایفای نقش کنند؛ ممکن است یک صادرکننده کل ظرفیتی که برای عرضه به بازار دارد را از طریق صرافی‌ها انجام دهد. سیف، رئیس بانک مرکزی، از اتاق بازرگانی به‌عنوان نقش واسطه نام برده که در شرایط فعلی اتاق بازرگانی نمی‌تواند نقش این واسطه‌گری را به عهده بگیرد. درنهایت امر اتاق بازرگانی می‌تواند نظارت بر صادرات و واردات را داشته باشد که مدارک و اسناد آن مورد تأیید باشد و همین نقش به علت اینکه بانک‌ها آن را به‌درستی ایفا می‌کنند و کنترل از سوی آنها صورت می‌گیرد، اتفاق نخواهد افتاد. در شرایط فعلی فعالان اقتصادی به جایگاه دولت و بانک‌ها اطمینان بیشتری دارند و بازار ثانویه نیز باید از سوی آنها اجرائی شود.

امضای تفاهم‌نامه برجام، بازتاب خوب و مثبتی را ایجاد کرد. در معاملات تجاری وقتی نگاه دنیا به‌طرف ایرانی خوب می‌شود، آثار آن، کل جامعه را دربر می‌گیرد. ماهیت کار ما که به‌ویژه در ارتباط با جامعه بین‌المللی معنا پیدا می‌کند، تأثیرپذیر از شرایطی است که پیش گرفته می‌شود. بعد از برجام دروازه‌های کاری بیشتری باز شد. اتفاقات مطلوب بیشتری را دیدیم و خطوط کاری ما هم باز متغیر شد. معامله ما با اروپا مقداری بهتر شد. در تحریم‌ها، ما بازار اروپایی خود را از دست دادیم. به همین دلیل مجبور شدیم به سمت بازارهای چین، مالزی، هند، پاکستان و آسیای شرقی تمرکز فعالیت داشته باشیم. اکنون در شرایط تحریمی جدید نیز می‌توانیم مسیرهای خود را پیدا کنیم.

بانک مرکزی در سامانه نیما نیز عملکرد موفقی نداشته، ولی اکنون این روند روبه بهبود است و در چند وقت اخیر از شروع به کار سامانه نیما شاهد بودیم که تلاطم بازار ارز کاهش پیدا کرده است. اگر دولت پای خود را در تعیین نرخ کنار می‌کشید و به بازاری که غیرمتعارف آغاز کرده دامن نمی‌زد، نوسانات اخیر شکل نمی‌گرفت. ایجاد زیرساخت مناسب بانکی برای تحقق بازار ثانویه بسیار ضروری است. در شرایط فعلی دیگر نمی‌توان عرضه و تقاضا را مبنای تعیین نرخ قرار داد و امیدواریم ایجاد بازار ثانویه با زیرساختی مناسب عامل مؤثری در کنترل بازار باشد.

خبر

قرارداد عاملیت ۱۵ میلیارد دلار تسهیلات ارزی از منابع صندوق توسعه ملی

در چهار ماه نخست سال جاری تاکنون مبلغی حدود ۱۵ میلیارد دلار برای پرداخت تسهیلات ارزی به صورت قرارداد عاملیت بین صندوق توسعه ملی و بانک‌های خصوصی و دولتی اختصاص یافته است. به گزارش روابط‌عمومی صندوق توسعه ملی، مبلغ ۱۴میلیاردو ۸۵۰ میلیون دلار از منابع صندوق توسعه ملی به قرارداد عاملیت با ۲۰ بانک کشور اختصاص یافته که تاکنون مبلغی معادل ۱۳میلیاردو ۱۵۰ میلیون دلار از آن با ۱۷ بانک اجرا شده است. ضمنا قرارداد عاملیت با بانک‌های پارسیان، انصار و گردشگری نیز در شرف انعقاد و اجرائی‌شدن است. این جدول به مرور انعقاد قراردادهای جدید به‌روزرسانی خواهد شد و از طریق وب‌سایت صندوق توسعه ملی به آدرس www.ndf.ir قابل‌دسترسی است.

برداشت بودجه‌ای از صندوق توسعه ملی با مصوبه ستاد تدابیر ویژه

عضو ناظر مجلس در صندوق توسعه ملی گفت: براساس مصوبه ستاد تدابیر و شورای عالی امنیت ملی، برداشت‌هایی در سال‌های قبل از منابع صندوق توسعه ملی صورت گرفته است. محمد حسینی در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری فارس، در مورد حسابرسی ویژه از حساب‌های صندوق توسعه ملی به منظور تعیین رقم درآمدها و وضعیت سهم صندوق از فروش نفت، اظهار کرد: کارهای مربوط به این موضوع در حال انجام است و چند نامه پیرو جلسه برگزارشده به آقای لاریجانی رئیس مجلس نوشته شد و در این راستا دستورات لازم داده شده و قرار است اقداماتی در این زمینه شروع شود. عضو ناظر مجلس در صندوق توسعه ملی در مورد اینکه پیش‌تر گفته بودید سال ۹۶، ۲.۳ میلیارد دلار و امسال نیز سه میلیارد دلار از منابع صندوق توسعه ملی برداشت شده، این برداشت‌ها برای چه مواردی بوده است، تصریح کرد: مصارف این موضوع سری است و نمی‌توان عنوان کرد. برخی برداشت‌ها مجوز مقام معظم رهبری را دارد. عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در پاسخ به این سؤال که وقتی لفظ «برداشت‌شده» به کار گرفته می‌شود، یعنی پولی غیر از مجوزهای رسمی بوده است، تصریح کرد: بخشی از برداشت‌ها مربوط به ستاد تدابیر ویژه و شورای عالی امنیت ملی بوده است.

جذب سرمایه‌گذاری دال توسعه مناطق آزاد

عبدالرسول خلیلی . کارشناس مناطق آزاد